

طراحی موزه و خانه موسیقی آیینی اقوام کرد کرمانشاه با رویکرد تعامل

گرایی و انسان محوری

مصطفی جوادی*، سیده زهره ترابی^۲.

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد، موسسه آموزش عالی روزبه زنجان-ایران آدرس رایانامه: Mostafajavady2012@gmail.com
۲- دکتری معماری، استادیار رشته معماری دانشگاه آزاد اسلامی واحد زنجان-ایران آدرس رایانامه: Zohrehtoraby@yahoo.com

⋮

چکیده

موسیقی آن وجه از هنر است که با ریتمی دلنشین از ذهن خالقش بر می آید و بر قلب مخاطبانش می نشیند. علاقه و گرایش روزافزون نسل جوان به موسیقی برای ارضای روحیهی معنوی و هنری آن ها و هم چنین پر کردن اوقات فراقت ضرورت ساخت چنین مراکزی را به خوبی نشان می دهد. متأسفانه سرانه موجود فضاهای فرهنگی در ایران حدود ۱۵ سانتی متر برای هر نفر است که ۱۵ برابر پایین تر از استاندارد جهانی است و نکته قابل تامل این که موسیقی در این ارقام مظلوم نیز واقع شده است. پس می توان با احداث فضایی تحت عنوان خانه موسیقی آیینی ضمن توسعه گردشگری باعث و بانی احداث یک مکان فرهنگی و هنری برای استفاده علاقه مندان هنر و موسیقی نیز گردید. ضمن اینکه توجه به زندگی توأم با تعامل اجتماعی و وجود جانبازان و معلولان عزیزی که به دلیل درگیری مستقیم اقوام این استان در دفاع مقدس آسیب دیده اند نیز باید در طراحی چنین فضایی به صورت ویژه مورد توجه قرار بگیرد. به صورت کلی می توان هدف از این پژوهش را این گونه بیان کرد. توجه به آیین های سنتی و کمک به زنده ماندن این آیین ها و سنت های اقوام کرد کرمانشاه و نیز شناخت خواستگاه ها و مفاهیم مشترک میان این دو مقوله (معماری و موسیقی آیینی) به منظور دستیابی به عالمی که این دو در آن واقع اند و بازشناسی آنچه در عالم معماری و موسیقی آیینی می توانیم یافت. این تحقیق، پژوهشی کاربردی است که نگارنده برای دستیابی به هدف اصلی آن که یافتن ابزارهای معمارانه برای بیان همانندی های معماری و موسیقی آیینی است، در حوزه مطالعات نظری از روش توصیفی-تحلیلی بهره گرفته و اطلاعات مورد نیاز را از منابع اسنادی، مصاحبه و گاه مشاهدات میدانی گردآوری کرده است.

واژه های کلیدی: موزه، خانه موسیقی آیینی، انسان محور، معماری تعامل گرا

۱- مقدمه

در تمام هنرها ایجاد نوعی فضای عاطفی و روحی، یکی از هدف های آفرینندگان هنرمند است. به کارگیری ابزارهای تحلیلی در پاسخ گویی به این پرسش که معماری و موسیقی چگونه با یکدیگر ارتباط دارند و مشترکات و مفترقات آن ها چیست مخاطب را به مسیری رهنمون می کند طی آن مشاهده می شود. آفرینش معماری از همان خواستگاهی برمی خیزد و از همان گذرگاهی عبور می کند و بالاخره به همان سرمنزل هایی می رسد که آفرینش موسیقی نیز مقید به آنهاست.

معماری و موسیقی هر کدام می توانند به نوبه خود فضایی را تعریف کنند. خانه ای در کویر یزد که انبوهی از پستی و بلندی شن های روان در محاصره اش دارند، با رنگی از صداهای بم و گرفته سازهای دخمه ای و ترکیبی از ارکستر سازهای مضرابی، خود می تواند در شکل دهی آن فضای روستایی با همه محرومیت هایش نقش موثری داشته باشد [۱].

هم چنین خانه ای در اقلیم سرد و خشک تبریز با پس زمینه ی کوه های بلند برفی می تواند در صدای زیر آلات موسیقی آذری و نغمه های عاشیق های آذربایجان تجلی پیدا کند و همان فضا را خلق نماید. [۲]

سیر تحول فرهنگ بشری پر جاذبه است. چراکه تمدن و فرهنگ وسعتی دارد به گستردگی آدمی و موسیقی نیز یکی از ارکان اساسی فرهنگ محسوب می شود. درباره ی تأثیر موسیقی در نفوس تحقیقات و مطالعات زیادی گردآوری شده است حتی در